

زهر اشعنان شمیرانی روزنامه‌نگار

حوزه‌های مختلف شعر ، ترجمه، تصحیح و گردآوری به چاپ رسیده و به‌رغم جوانی‌اش میزبانی و مدیریت جلسات شعر را به‌عهده‌داشته‌است.فضای شعر کشور را خوب رصد کرده و به نقضان‌های این حوزه اشرف دارد. یکی از دغدغه‌های مهم اهالی شعر، مساله چاپ و پخش کتاب است. سلیمانی کمتر از یک سال است که با کمک دوستان شاعرش، انتشارات «نزدیک‌تر» را ثبت و راه‌اندازی کرده‌است و در نمایشگاه کتاب با بیش از ۶۰ عنوان کتاب شعر حاضر بود. با امیرعلی سلیمانی دربارهٔ نشر تخصصی شعر گفت‌وگو کردیم.

۱۱۱

«نزدیک‌تر» چگونه شکل گرفت و چطور احساس نیاز کردید به اینکه انتشارات بزنید؟

برای حوزه تخصصی مثل شعر، این تعداد انتشارات موجود، بسیار کم است. اگر ۱۰ انتشارات شعر دیگر هم باشد، به شرط اینکه با کیفیت کار کنند باز هم کافی نیست. وقتی به جمع‌بندی رسیدم کم می‌توانم این واحد را راه‌اندازی کنم با دوستانم مطرح کردم. دوستانی که به‌نوعی همه با فضای شعر درگیر بودند و به این نتیجه رسیدیم که گروهی این کار را انجام دهیم و در خواست دادیم و رفته‌رفته کار پیش‌رفت و مجوز گرفتیم و از مرداد سال ۹۶ کار را به‌صورت جدی شروع کردیم.

بیشتر به این دلیل بود که این تعداد انتشارات موجود کم است و افقی را ترسیم کردید که به‌عنوان یک انتشارات با کیفیت کار ارائه دهد و به آنها اضافه شود، نه آنکه محدودیت این انتشارات‌های موجود شمارا به این سمت ببرد.

نه، فکر می‌کنم خلأهای بسیار زیادی در این عرصه وجود دارد. به ایده‌های خلاقانه‌تری ناشران موفق توجه کردند، باقی ناشران متوسط به همان مصلحت‌های کلی بسنده و سعی کردند مسیر دیگران را در پیش بگیرند، درحالی‌که در این حوزه‌ها می‌توان به کرات هم از لحاظ فرمی و هم محتوایی نوآوری کرد. ما هم روزی آه که به آن فکر می‌کردیم شاید خیلی هدف‌های مشخصی نداشتیم ولی می‌خواستیم مسیرهایی را برویم که دیگران نرفته‌اند، چون اسم نشرهایی که آوردید غالباً ناشران با سابقه‌ای هستند که از من و خطاهای بسیاری هم داشته‌اند من شخصاً با این ناشران ادبیات سال‌ها هم، هم‌مقام مولف و هم کارشناس و ویراستار کار کرده بودم و تجارب گذشته به من کمک کرد که حداقل خطاهایم را در این مسیر کمتر کنم و امیدواریم که کمتر هم شود.

یعنی به نظر وجه تمیزه نزدیک‌تر با سایر انتشارات‌ها چه می‌توانست باشد؟

ما هنوز راه زیادی نرفته‌ایم که بخواهیم وجه تمیزه مشخصی پیدا کنیم، غالب شاعران خوبی که در شهرستان‌ها کتاب چاپ می‌کنند، پشت در بسته می‌مانند. اگر ناشرهای شهرهای خودشان کار کنند، کتاب‌شان دیده نمی‌شود. در همه شهرستان‌ها ناشرانی وجود دارند که بعضاً صلاحیت در فضای عمومی را ندارند، چه برسد به تخصصی. چون به مراکز پخش وصل نیستند و حمل‌ونقل کتاب‌ها در آنجا دشوار است. نکته‌دوم، آن شاعرانی که می‌خواستند به‌ناشران تهران مراجعه کنند، غالباً نگاه درستی به هنرشان نمی‌شود، چون مشهور نیستند. یعنی به‌رغم مشرعیت ادبی، به دلیل عدم وجود مشهوریت رسانه‌ای، به سختی کتاب آنها چاپ می‌شود. من در این سال‌ها متوجه شدم که فضا در مورد چاپ کتاب شعر کاملاً عوض شده است؛ ما امسال به شعر شاعران شهرستان توجه ویژه داشته‌ایم. امسال با مولفانی کار کردم که غالباً شهرشناس هستند و به‌عنوان شاعران خوب آنها را می‌شناختم. این افراد یا کتاب چاپ نکرده بودند یا اگر چاپ کرده بودند، دیدگاه خیلی روشنی در مورد انتشارات نداشتند و برخورد شایسته و مناسبی با آنها نشده بود. شاعر خودبه‌خود خودش را مقایسه می‌کند. مثلاً شاعر شهرستانی، خودش را با آن مولفی که در تهران ساکن است، مقایسه می‌کند و می‌بیند که در فضای مجازی موفق است و شعرش چیزی کمتر از آن شاعر تهرانی ندارد؛ پس چه چیزی باعث می‌شود ناشران برخورد دوگانه‌ای با شاعران داشته‌باشند؟ تلاش کردم در انتشارات «نزدیک‌تر» این نگاه یکسان به شاعران شکل بگیرد و غالب کتاب‌های پر فروش ما شاعرانی بودند که یا اولین کتاب‌شان بود یا اگر کتاب‌های چاپ کرده بودند، به آن صورت دیده نشده بودند و امسال هم جدی‌تر این کار را ادامه می‌دهیم. اگر من شعر خوب معرفی و چاپ کنم، مخاطب هم به من اعتماد می‌کند و هم به کتاب‌هایی که چاپ می‌کنم.

در خصوص بحث قرارداد هایتان، شما در ابتدا پولی از شاعر دریافت نمی‌کنید؟

شکل کار ما تمام و کمال بسته به نظر شورای کارشناسی نشر است. این شورا در مورد مجموعه‌ها نظر می‌دهد که در درجه اول شایستگی چاپ دارد یا نه؟ امسال فقط از مجموعه شعرها رد شد با اینکه سال اول کارمان بود. در بعضی اوقات ما به مولف مراجعه می‌کنیم. به‌طور مثال امسال برای بیشتر از ۵۰ درصد از آقای که چاپ کردیم، ما به مولف پیشنهاد چاپ دادیم و توان مالی در موقعیتی قرار داشت که غالباً از مراجعه ما استقبال می‌کرد. ما هم مانند مجموعه‌های دیگر خطاهایی هم از جنبه کیفی و هم از جنبه محتوایی داشتیم ولی تمام تلاش‌مان را کردیم برای شعر و مولف، حرمت قائل باشیم.

چهار سو

«حضور «جم کرّی» در نشر دانشمند دیوانه

«جم کرّی» که جلم مذاکره برای ایفای نقش «روبنیک شیر» در فیلم سینمایی «سونیک جهگاک»(خرپشت مافوق صوت) است. جف فولر که در سال ۲۰۰۵ برای یک اینمیشن کوتاه نامزد جایزه اسکار شد، کارگردانی این فیلم را برعهده دارد. این فیلم ترکیبی از اکشن زنده با عناصر CGI(تصویر ایجاد شده توسط کامپیوتر) است. «نیل اچ موریتز» و «تیم میلر» کارگردان فیلم «دوپل» و «توبی آشر» مدیران تولید این فیلم هستند. تکبا سامپتر نیز در این فیلم ایفای نقش می‌کند.
جم کرّی در این فیلم در نقش «روبنیک» دانشمندی دیوانه و دشمن بزرگ «سونیک» ظاهر می‌شود. کرّی در سال ۱۹۹۴ در فیلم «ماسک» در نقش شباهه همین نقش ظاهر شد که ترکیبی از اجرا و بازی کم‌دیگ هنریش به همراه عناصر CGI(خلق جلوه‌های بصری با رایانه) بود. این پروژه براساس داستان بازی رایانه‌ای سگا(sega) که از تولیدات سونی است ساخته می‌شود که دوره حق کپی‌رایت آن منقضی شد و کمپانی پارامونت در ماه اکتبر آن را برای ساخت این پروژه انتخاب کرد.

یکشنبه ۱۰ تیر ۱۳۹۷ | ۱۷ شوال ۱۴۳۹ | اول جولای ۲۰۱۸ | شماره ۲۵۲۸



امیرعلی سلیمانی شاعر و مدیر انتشارات «نزدیک‌تر» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

مدعیان مبارزه با رانت بیشترین استفاده را از امکانات برده‌اند

افرادِی، امروز پرچم آزادی خواهی در ادبیات دست‌شان گرفته‌اند که از قضا بیشترین استفاده‌ها را از شعر دولتی کرده‌اند. این مساله‌ای است که خیلی‌ها را رنج می‌دهد. ما مخاطب عام را یا یک‌سری شاعر فریب می‌دهیم. مثلاً می‌گوییم بیایید به جریان‌های فلان و فلان نه بگوییم؛ نه به جشنواره‌های ادبی؛ نه به حوزه هنری و... بعد آن آدمی که مرجع صادر کردن این شعارهاست را می‌بینی که چگونه برخلاف اظهارات خودشی عمل می‌کند

ایبن عدم صداقت خیلی صدمه می‌زند. ما امسال دیدیم ظوئیت ما این مقدار است، اگر مولف برای روز اول روزه‌روی من نشست، من هم چیز را به او می‌گویم که کتاب تو ۵۰۰ نسخه تیراژ است. او در تصورات درست و غلط خودش فکر می‌کرد که شمارگان کتابش ۵۰۰ نسخه زده‌شود، پشت است؛ وقتی در کتاب دوستانش ۱۰۰۰ تا شمارگان خورده است و می‌گفت نمی‌شود ۱۰۰۰ نسخه را پشت جلد بنویسی؟ به جرات می‌گویم بیشتر از ۳۰ مولف این سوال را از من کرده‌اند که نمی‌شود ۱۰۰۰ بنویسی ولی ۵۰۰ تا چاپ کنیم؟ به‌طور مثال سورره مهر غالب کتاب‌هایش را ۲۵۰۰ نسخه می‌زد، خودم با آن کار کرده بودم. یک مجموعه شعر سال ۹۱ با سورره چاپ کردم. امسال مشاهده کردم که ۱۲۵۰ تا شده، من آن ۲۵۰۰ نسخه را باور داشتم، به خاطر اینکه سورره کم‌نشر دولتی است و دسترسی مناسبی به پخش دارد و در همه شهرها کتاب‌فروشی دارد و از شکلی هم که کتاب‌ها فروش می‌رفت، می‌دیدیم. امسال سورره‌مهر که یک نشر دولتی است و خیلی آزادی‌های بیشتری نسبت به نشر شعر، توجه‌پذیر نیست، البته این در خصوص برخی مولفان که آثارشان پر فروش هستند، استثناست.

بیشتر در حوزه ترانه هم این مساله مشهود است.

کتابی که ۲۰ هزار نسخه از آن فروش می‌رود ولی همچنان در چاپ اول مانده است.
جایی خوانده‌ام که چندین هزار پروانه نشر فقط در تهران وجود دارد. اگر نصف یا یک‌چهارم این ناشران هم کار کنند، با هزاران انبار مواجه هستیم. این انبارها ممکن است از تا کتاب بر آن باشد. به چه صورت می‌شود نظارتی بر شمارگان کتاب انجام‌داد؟ این مساله‌ای است که واقعا راه‌حل مشخصی ندارد. ولی این موضوع به همه ضربه می‌زند، حتی به ناشر هم ضربه می‌زند. ناشران بزرگ ما غالباً صادقانه برخورد می‌کنند و ثمرات صداقت‌شان را می‌بینند. آنها قشر آگاهی هستند که ممکن است مصاحبه‌کنندگان، شایعه‌پراکنی نکنند، ولی من خودم را جزء آن قشر آگاه می‌دانستم، قیل از اینکه نشر نزنم. یعنی اگر من یک کتابی رادر کتاب‌فروشی می‌دیدم که چاپ چهارم است، با اسم شاعر و اسم ناشر و شمارگانی که نوشته شده حدس می‌زدم که آیا این کتاب واقعا چاپ چهارم است؟ بعضاً دیده می‌شود مولفی حق التالیف بالایی از یک ناشر گرفته و ناشر برای اینکه سود بیشتری از کتاب ببرد، ممکن است به جای ۱۰۰۰ نسخه، ۲۰۰۰ نسخه بزند؛ واقعا این صرف نظر از بحث‌های اخلاقی و شرعی‌اش، خودتیم خود‌نگاه را به ناشر عوض می‌کند. ناشران کوچک‌تر و خردتیم به علت اینکه با مولف درست برخورد و صادقانه رفتار نکردند، پس زده شدند و کنار رفتند. این عدم صداقت ممکن است در کوتاه‌مدت مزایایی را برای ناشر به همراه داشته باشد اما در بلندمدت قطعاصدمه می‌زند چون همیشه‌خواص هستند که یک مساله‌ای را نقل می‌کنند. ممکن است عوام به شمارگان یک کتاب نگاه نکنند، ولی آن خواص ما را قضاوت می‌کنند و خیلی چیزها را می‌فهمند.

یادداشت، اخبار و گزارش‌هایی از تازه‌های فرهنگ و هنر

فرهنگ



ایرانی؟! من جز چند تا جایزه که به راستی این جوایز، همه شاعرها ایمان داشتند، باقی جوایز را جوایزی می‌دانم که شاعر جوان را گرفتار توهم می‌کند، درحالی‌که اگر در آن جایزه و جشنواره ریز شوید، متوجه مشکلات آن می‌شوید.

خوب است چند مورد جوایز معتبر و راهگشارا هم نام ببرید.

جایزه شعر محمدعلی بهمنی و جایزه شعر جوان بندرعباس در جوایز دولتی، جوایز خوبی بود و چهره‌هایی که معرفی می‌کردند بعدها شاعران مطرحی شدند. جایزه اردیبهشت شاعران، جایزه خوبی بود، همچنین جایزه کتاب سال شعر جوان که بعداً جایزه فیضر امین‌پور نام گرفت و امسال هم بعد از هفت، هشت سال برگزار شد. اگر این جوایز باقی می‌مانند و به‌همان فوت‌ادامه می‌داند، اعتماد‌ها به جوایز دولتی آنقدر کم نمی‌شد. من آدمی هستم که مشکلی با جوایز دولتی ندارم و معتقدم دولت باید در جای درست سرمایه‌گذاری کند ولی بپذیریم که گروه زیادی اعتماد ندارند و از عرصه کنار رفتند. همین خالی بودن عرصه، باعث می‌شود برای عده‌ای که محق معرفی شدن نیستند به توهم می‌افتند که خیلی شاعر هستند.در جوایز خصوصی هم جایزه‌های شاخصی داریم؛ مثل خربنگاران، کارنامه و... . امیدوارم شرایطی فراهم شود که این جوایز استمرار پیدا کنند و جوایزی هم که به علت مشکلات منحل شدند از نو شروع به کار کنند. نکته دیگر که انجمن‌ها این است که ما اگر این همه انجمن ادبی نداشتیم، اینقدر نیاز به شاعر هم نداشتیم. اینقدر انجمن شعر زیاد است که جسی هم جلسه به صلاحیت جلسه‌داری‌اش تردیدهای جدی می‌گویند که اسمت را در پوستر می‌زنیم یک سالتی را که ظرفیت ۵۰ نفر یا نهایتاً ۱۰۰ نفر دارد هم در اختیار گرفته است. باید به این مدیر عزیز گفت اگر همین اسم‌هایی که نوشتی بیایند، سالن پر می‌شود. پس مخاطب کجا بنشیند؟ ما رسیده‌ایم به جایی که در انجمن‌ها به یک شاعر زنگ می‌زنند و می‌گویند که اسمت را در پوستر می‌زنیم فقط برای اینکه حضور داشته‌باشد؛ غافل از اینکه شاعر خوب خودش را در لیست ۷۰ نفر قرار نمی‌دهد. همین‌ها اعتبار اسم و پوستر و جایزین و القابی مثل مسئول و استاد را زیر سوال می‌برد. حلال یک‌سری آدم چیزهایی که گفته‌اند و بسرهم کرده‌اند می‌آیند در جلسه و پوستر جلسه را پخش می‌کنند که من در فلان‌جا حضور داشتم و در فلان کنون. این توهم ناشی از اشتباه بعضی‌هاست. جلسات زمانی‌رکن اصلی در پویایی فضای ادبی بود، در هر انجمنی که می‌رفتی دست کم چند چهره شاخص وجود داشتند که حرف‌شان قابل استفاده بود، امروز گروهی دور هم می‌نشینند و در بهترین حالت دوستانه با هم شعر می‌خوانند و بدون حرف و حدیثی خداحافظی می‌کنند تا هفته بعد. در این وضعیت قابل درک است که شاعران به جلسات بی‌اعتقاد شوند و کم‌کم جلسات از حضور شاعران جدی خالی شود.

در حوزه شعر آیا پخش کننده انحصاری وجود دارد؟

چندتا مرکز پخش معتبر در این حوزه وجود دارند. یک‌سری از پخش‌ها در ادبیات ویژه کار می‌کنند.

آیا بین اقبال ناشران به چاپ اثر یک شاعر یا جوایزی که او در جشنواره‌ها گرفته نسبتی هست؟ اصلا جشنواره‌ها و جوایز اثری روی انتخاب ناشر و مخاطب دارند یا حتی یک گام عقب‌تر بیاییم؛ آیا جوایز ادبی اعتباری دارند؟

به نظر من ۹۰ درصد جوایز ما توسط ارگان‌های بی‌ربط داده می‌شود. باید بپذیریم که بعد از یک مدت، یک‌سری شاعر جوان داریم که اینها ذهن‌شان تربیت می‌شود و بعد از یک مدت سفارش‌پذیری می‌شوند و از عهده سفارش‌ها برنمی‌آیند. به‌نظرم کسی باید سفارشی بنویسد که در جای جدی‌تری قبلاً محک خورده باشد. شعر برای خلوت رایه دست‌آورده، اگر یک حالا وقتی هم نوشت دهمش گرم. جایی می‌خواند در سال ۹۴ بیشتر از ۲۰۰ کنگره ملی داشتیم، یعنی دو روزی یک جشنواره ملی شعر برگزار شده است. و این موضوع فقط در حوزه شعر بود و در حوزه‌های دیگر نگاه نکردم. ما مهر روز یک جشنواره شعر در کشور داریم. حتی بی‌ربط‌ترین ادارات کنگره شعر برگزار می‌کنند. ما محرم که می‌شود شما می‌بینید که ۱۸ کنگره شعر مانوشورایی در شعر توسط نهادهای مختلف برگزار می‌شود. بعد آنجایی که برگزار می‌تولی جایزه ادبی است، کنار ایستاده است. این آفت جوایز ادبی است. شاعری می‌آید و ادعا می‌کند که نفر اول ایران است. تو نفر اول

کتاب‌های جمع‌وجور و دوست‌داشتنی‌تری خواهیم داشت. در کتاب‌های نظری به در حوزه شعر فارسی به شدت فقر داریم. برنامه‌ای در زمینه آموزش‌های ادبی ندارید؟ به جهت انتشار کتاب‌های آموزشی در حوزه شعر فارسی، به‌شدت فقیر هستیم. فقط در حد نظریاتی که از آن طرف آمده است. در حالی‌که اگر در این حوزه شاعران داخلی ورود کنند استقبال می‌شود. مثلاً کتاب «روزنه» آقای کاظمی، با اینکه کتاب ساده‌ای است و خیلی سطح‌های بالاتر را تعدماً نشان نرفته، برای مخاطبان آموزش شعر بسیار کتاب مفیدی است. کتاب‌های خوب آموزشی انگشت‌شمار هستند. یک‌سری هم که به‌حوزه آموزش و مباحث نظری شعر ورود جدی داشتند نشرهای دوست‌داشتنی من هستند. به خاطر اینکه کتاب‌هایی که اینها چاپ می‌کنند، واقعا گنج هستند. اینها چیزی را از خاک درمی‌آورند و بعضی از نشرهای دانشگاهی که خیلی موفق هستند؛ در بخش تصحیح خیلی موفق هستند؛ در نسخه‌شناسی موفق هستند؛ همین‌طور در شناخت نامه‌ها. چیزهایی که ما نداریم. ما شناخت‌نامه نداریم یعنی یک مصاحبه با منزوی دو، سه سال پیش چاپ شد، من ۲۰۰ جا دیدم که مصاحبه رجوع شده است یعنی اینقدر کم است. باز دم آقای اسماعیلی اراضی گرم که جمع‌وجورش کرد. اوضاع اگر به همین منوال پیش برود و همه چیز بنسودن متن امروز، گنجینه‌های غنی گذشته را از دست خواهیم داد. باید قدردان معدود ناشرانی باشیم که رسالت خود را حفظ کرده‌اند.

عکس، ویدئو، سراسر آرا و هیختگان

نامه‌آقای منزوی به‌آقای میرشکاک، چقدر جذاب است یا مثلاً مولانا مکتوباتش چقدر جذاب است.

من می‌گویم وقتی که درمورد ادبیات صحبت می‌کنیم، درمورد همه اینها حرف می‌زنیم. بعضی‌ها فکر می‌کنند که ادبیات یعنی فقط شعر و داستان؛ درحالی‌که ادبیات یک مجموعه است که در آن روابط هم مهم است، روابط آدم‌ها با هم. اینکه چه تأثیری یک متن بر مخاطب دارد. چه تأثیری شاعران بر هم می‌گذرانند؛ چه تأثیری حکومت بر شاعر می‌گذارد؛ چه تأثیری شاعر بر حکومت می‌گذارد. ادبیات مجموعه‌ای از شناخت اینهاست، نه فقط متن آفریده‌شده توسط شاعران. متأسفانه خیلی از اولویت‌های ما در این سال‌ها تغییر کرده است. وقتی به نشر می‌رسیم، می‌بینیم که ناشر به‌صورت جزئی نمی‌تواند کار بزرگی کند. من واقعا به این چند تا ناشری که در حوزه شعر ما کار می‌کنند، احترام می‌گذارم. مساله همین‌است که چندتا ناشر هاشان دادند که می‌توانند برای بازار تعیین تکلیف کنند. اصلش اتفاق خوبی است و حالا اینکه به‌ی‌راهه برود را کاری ندارم. اما مشکلی که داریم مساله توزیع و پخش آثار است. لازم است که پخش‌کننده‌ای داشته‌باشیم که انتقالی در حوزه شعر انجام دهد تا شعر به دست اهل شعر خوب برسد. دوستان به جای اینکه بیایند به سمت نشر، بهتر است به سمت پخش مجموعه آثار بروند. اینجا خلایی که داریم عین سینماست.

مساله‌ای که چند سالی است به‌خصوص در فضای مجازی مطرح می‌شود، بحث درمورد شاعران دولتی و سفارشی کار است. کمی هم در این مورد صحبت کنید. چقدر قائل به این شکل دسته‌بندی هستید و آیا این دوگانه شاعر دولتی و مستقل در فضای ادبی امروز ما وجود دارد؟

افرادِی، امروز پرچم آزادی خواهی در ادبیات دست‌شان گرفته‌اند که از قضا بیشترین استفاده‌ها را از شعر دولتی کرده‌اند. این مساله‌ای است که خیلی‌ها را رنج می‌دهد. ما مخاطب عام را یا یک‌سری شاعر فریب می‌دهیم. مثلاً می‌گوییم بیایید به جریان‌های فلان و فلان نه بگوییم؛ نه به جشنواره‌های ادبی؛ نه به حوزه هنری و... . بعد آن آدمی که مرجع صادر کردن این شعارهاست را می‌بینی که چگونه برخلاف اظهارات خودش عمل می‌کند. کاش می‌شد این مساله را به‌قدرش نوجوان فهماند، چون آن جامعه برای من مهم است. آن جامعه‌ای که اشرافی در شخصیت‌ها ندارد و امروز به گفته‌آن‌ادم‌پسندان نمی‌کند. ما یک‌سری آدم‌های بی‌انصاف داریم، که یادشان استفاده می‌کنند، ولی وقتی به جایگاهی می‌رسند که باید بقیه صدایشان را بشنوند، یک چیز دیگری می‌گویند. این میکروفرنوا را چه کسی برایت درست کرده که امروز نتوانی با مردم حرف بزنی؟

آدم‌هایی هستند که در فضاهای خصوصی، رفتارهای خصوصی می‌کنند و در فضاهای دولتی، رفتارهای دولتی و فکر می‌کنند هیچ‌کس نیست آن دو تا رفتار را با هم تطبیق دهد. این مساله خیلی به جوانان مآ صدمه می‌زند. این پست‌هایی که در اینستاگرام می‌بینید، دختر و پسرهای ۱۶ ساله شاعر نما، به نفع و به ضرر افلا می‌زنند. من می‌گویم اگر آقای فلانی شاعر است، بی‌شمار آدم دولتی هم وجود دارند که فقط در آن سمت قرار نگرفتند، اصلاً دولت و شاعر با هم تعامل دارند. من با هنر سفارشی هیچ مشکل ندارم به شرطی‌که این سفارش درست تخصیص داده شود. من معتقدم این کارهای سفارشی، کارهای ناگزیرند. الان اگر یک شرکت متخمس‌سازی به من سفارش بدهد، اگر شرایط مالی‌اش رامناسب‌بینیم، برایش شعر می‌نویسم. همان‌طوری که دوستان تراژساردر تبلیغات تلویزیونی می‌نویسند. خیلی هم خوب می‌نویسند. چه ایرادی دارد؟ من نمی‌دانم که فلان بازیگر می‌شود سفیر یک شرکت، تبلیغ سفارشی‌بازی ولی، در جشنواره فجر هم جایزه می‌گیرد دولت نیست ولی شاعر بدبخت، رفته انجمن، شده دولتی. اینها به خاطر فقر آگاهی و فقر منابع در شعر است.

«صحبت‌های مجری تلویزیون آمریکاعلیه ترامپ

جان استوارت با حضور در برنامه «The Late Show»، نمایش دیروقتا با اجرای استفن کولبرت، ترامپ را در فعالیت‌های سیاسی‌اش (ظالمی خرسند» عنوان کرد. استوارت در برنامه کولبرت ۸ دقیقه در مورد ترامپ صحبت کرد و سیاست‌های او را در قبال مساله مهاجرت و جدا کردن کودکان از والدین مهاجر غیرمجازشان و ضربه زدن به مخالفان سیاسی‌اش را به‌شدت محکوم کرد. این مجری معروف برنامه‌های تلویزیونی آمریکا در مورد ترامپ گفت: «اگر ترامپ یکی از مشخصه‌های رئیس جمهوری شما این است که در پس‌پس‌رحمی شدید شما، لایه‌ای از شادمانی و خرسندی هویدا است. شما عادت دارید که دشمنان‌تان را تحقیر کنید؛ حتی اگر آنها از یک بیماری رنج ببرند همان را وسیلهٔ تمسخر و تحقیر آنها قرار می‌دهید مثل کشمکش شما با سناتور «جان مک کین» که از سرطان مغز رنج می‌برد.» استوارت در مورد سیاست مهاجرتی جدید ترامپ و جدایی کودکان از والدین مهاجر غیرقانونی‌شان گفت: «پسرا! خیلی خراب کردی!»

«معرفی نامزدهای داستان بزرگسال جایزه قلم زرین

وجیهه سامانی، دبیر شانزدهمین دوره جایزه قلم زرین با اعلام پایان داوری در تمامی رشته‌های این رویداد ادبی، کاندیداهای بخش داستان بزرگسال را اعلام کرد. در جلسه نهایی داوری گروه داستان بزرگسال که در محل انجمن قلم و با حضور سه داور محترم این گروه برگزار شد، طی چندین ساعت بحث و تبادل نظر و جمع‌بندی امتیازات داوران، از میان کلیه آثار چاپ شده در سال ۹۶ در حوزهٔ رمان و داستان بزرگسال که طبق لیست دریافتی از خانه کتاب حدود ۳۵۹۰ عنوان کتاب بود. آثار زیر به‌عنوان کاندیدای دریافت جایزه قلم‌زرین انتخاب و معرفی شد:
ابدی؛ مهدی صفری؛ شهرستان ادب، آفرت؛ ناهید قادری؛ سورمه مهر، رویای آق تاریم؛ مصطفی جمشیدی، به‌نشر، حسن قلی‌پور؛ سورمه مهر و به‌نام‌پونس؛ علی‌آزمین؛ شهرستان ادب.
مراسم اختتامیه جایزه ادبی قلم زرین که با حمایت و مشارکت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نهاد کتابخانه‌های کشور صورت می‌گیرد، روز پنجشنبه ۱۴ تیرماه مصادف با روز ملی قلم برگزار می‌شود.

«تصویربرداری فاز دوم «بچه مهندس» به ۴۰ درصد رسید

یک ماه از تصویربرداری فاز ۲ سریال «بچه مهندس» می‌گذرد و تاکنون ۴۰ درصد از تصویربرداری این فاز ۲۰ قسمتی در لوکیشن پرورشگاه(خانه خورشیدی) مقابل دروازه رفته است. مانی رحمانی، بازیگر نقش نوجوانی حواد و بنیامین محمدیان ایفاگر نقش نوجوانی، رسول‌در این سریال هستند و تا دو ماه دیگر تصویربرداری این فاز نیز به پایان می‌رسد. قرار است بازیگران جدیدی به این سریال اضافه شوند. فاز اول این سریال در ماه رمضان پخش شد و به‌رغم اینکه قرار نبود جزء سریال‌های ماه رمضان باشد اما بسیار پرمخاطب شد.
داستان سریال «بچه مهندس» به کارگردانی علی غفاری و تهیه‌کنندگی سعید سعیدی در تاریخ معاصر و در سه فاز کودکی، نوجوانی و شخصیت اصلی مطرح می‌شود. فاز دوم این سریال به کارگردانی علی غفاری در فصل پاییز از شبکه دو سیما پخش می‌شود.